

معیارهای تشخیص مدعیان دروغین مهدویت

میثم جوکار^۱

چکیده

در اعتقادات مسلمانان، مهدی موعود عجل الله فرجه شخصیتی نجات‌بخش است که تا قبل از قیامت ظهور خواهد کرد و جهان را از ستم و بیداد رهایی خواهد بخشید. در طول تاریخ اسلام بارها افرادی ادعا کرده‌اند که مهدی موعود عجل الله فرجه هستند و با این ادعا و تحریف مهدویت باعث انحراف اعتقادی مردم شده‌اند. معیارهای متعددی برای تشخیص این ادعای دروغین همچون معیار اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و غیره وجود دارد. این پژوهش با هدف شناسایی و بررسی معیارهای تشخیص کذب مدعیان دروغین مهدویت به روشی توصیفی - تحلیلی می‌کوشد داده‌های لازم را از منابع گوناگون جمع‌آوری کند. نتایج به دست آمده از تحلیل و ترکیب این داده‌ها نشان می‌دهد برخی از مهم‌ترین معیارهای تشخیص مدعیان دروغین مهدویت عبارت‌اند از: تظاهر به زهد دینی و نقض آن، معنویت‌گرایی سکولار، تحریف و جعل و تقطیع در منابع و متون.

واژگان کلیدی: ادعای مهدویت، معیارهای مهدویت، معنویت سکولار، سکولار

مهدویت، معتقد بودن به وجود مهدی، فکر، طریقه، روش، مذهب، عقیده و رفتاری است که انتساب به حضرت مهدی علیه السلام داشته باشد. همه ادیان برآنند که سرانجام مردی ظهور می کند که با رسالتی الهی، انسان را از تاریکی ظلم و گمراهی و گناه می رهاند و برای زمین و زمینیان، خوشبختی و خیر و برکت می آورد. این منجی در اسلام به خصوص در مذهب تشیع، همانام و از نسل پیامبر صلی الله علیه و آله و امام دوازدهم است. در طول تاریخ، به سبب شرایط سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، افراد مختلفی مدعی مهدویت شده و حتی تعریف جدیدی از آن ارائه کرده اند. همین امر باعث گمراهی مردم، دوری از مسیر اهل بیت و به بازی گرفته شدن دین و در نهایت منجر به اختلافات دینی و پیدایش مذاهب و فرق مختلف مذهبی انحرافی همچون کیسانیه، واقفیه، بابیه، قادیانیه، بهائیت و غیره شده است. بیشتر مدعیان دروغین مهدویت با وجود همانندی و همسویی شان، در ذات خود یکی نیستند، بلکه بر اساس رفتارشان به لحاظ ماهوی، دارای ادعاهای متفاوت بوده اند. این پژوهش معیارهای تشخیص کذب این مدعیان را بررسی کرده است.

مدعیان دروغین مهدویت برای رسیدن به اهداف خود از مسئله مهدویت سوء استفاده کردند و در این راه گروهی از مردم و جوانان را به دام خود کشاندند و منحرف کردند. پس باید پژوهشی انجام پذیرد که معیارهای کذب مدعیان بر اساس رفتارشناسی آنها عیان شود.

درباره مدعیان مهدویت آثار ارزشمندی نگاشته و برخی از معیارهای تشخیص آنها بیان شده است؛ از جمله این آثار عبارت است از: کتاب مهدیان دروغین به قلم رسول جعفریان (۱۳۹۳) که فهرستی از مدعیان مهدویت را آورده و ادعاهای آنان و نقل های تاریخی را بررسی کرده؛ کتاب معیارهای شناسایی مهدی موعود و تمایز آن از مدعیان دروغین نوشته محمد شهبازیان؛ رساله «مدعیان دروغین مهدویت» به پژوهشگری فاطمه مختاری (۱۳۹۲) که به بررسی، معرفی و تبیین ویژگی های مدعیان مهدویت پرداخته؛ مقاله «مدعیان دروغین مهدویت در تاریخ» به قلم مهدی پیشوایی (۱۳۹۱) که انگیزه مدعیان مهدویت را برشمرد؛ مانند رسیدن به قدرت، کسب اعتبار و قدرت بیشتر؛ مقاله «واکاوی وصیت نازل شده از آسمان به حضرت محمد صلی الله علیه و آله و نقش آن در شناسایی مدعیان دروغین» به قلم محمد شهبازیان.

این پژوهش، به دنبال معرفی برخی از مهمترین معیارهای تشخیص مدعیان دروغین در حوزه

مهدویت با رویکرد توصیفی-تحلیلی و با روش کتابخانه‌ای است.

مفهوم‌شناسی مدعیان دروغین مهدویت

عبارت «مدعیان دروغین مهدویت» از ترکیب سه واژه «مدعیان» و «دروغین» و «مهدویت» است. واژه مدعی در لغت به معنای، دعوی کننده، ادعاکننده و دعوی کرده شده است.

دروغ در لغت به معنای سخن نادرست، خلاف حقیقت و واقعیت^۱ و در اصطلاح به معنای اظهار امر خلاف واقع و سخن بر خلاف حقیقت است. یکی از بزرگ‌ترین و بدترین صفات انسان، دروغ گفتن است.^۲

«مهدویت» واژه‌ای عربی و از ریشه «مهدی» است که از اضافه شدن «ت» به «مهدوی» ساخته شده است. مهدویت مصدر جعلی، یعنی مهدوی بودن یا صفتی منسوب از مهدی و یا صفت مفعولی و به معنای شخص راهنمایی شده به دست خداست^۳ و در اصطلاح روش، مذهب، رفتار، فکر و عقیده‌ای است که به مهدی انتساب داشته باشد.^۴

معیارهای تشخیص مدعیان مهدویت

در طول تاریخ، بارها افرادی مدعی مهدویت شده و جامعه را دچار اشتباه کرده‌اند. از این رو باید معیار تشخیص این افراد را دانست و به جامعه دینی معرفی نمود تا در دام این افراد گرفتار نشوند. در ادامه برخی از این معیارها را نقل می‌کنیم:

۱. تظاهر به زهد و تناقض رفتاری مدعیان دروغین

زهد به معنای بی‌رغبت شدن، روی گرداندن از چیزی، پارسایی، ترک دنیا و دل نیستن به دنیا به انگیزه به دست آوردن آخرت و خشنودی و رضوان خداوند است.^۵ زهدفروشی یکی از عوامل رشد مدعیان مهدویت است. آنان، میان توده مسلمین که مقابل تنزل اخلاق و روح دنیاپرستی، یک روحیه منفی به خود گرفته بودند، مورد تعظیم و احترام قرار می‌گرفتند و از این نظر، اسباب تشویق و دلگرمی

۱. هاشمی رفسنجانی، فرهنگ قرآن، ص ۳۶۹.

۲. فیومی، مصباح اللغة، ص ۱۵.

۳. ابن منظور، لسان العرب، ج ۱۵، ص ۳۵۴.

۴. صافی گلپایگانی، اصالت مهدویت، ج ۲، ص ۱۹.

۵. انصاریان، عرفان اسلامی، ج ۸، ص ۱۳۸؛ دهخدا، لغت نامه دهخدا، ج ۸، ص ۴۷۷.

و در نتیجه نفوذ معنوی آن‌ها فراهم می‌گردید. یکی از ابتکارات سردمداران جریانات و محافل انحرافی تظاهر به زهد و ساده‌زیستی برای جلب افراد به سمت خود است.

مدعیان دروغین و مروجین تفکرات انحرافی در قالب انتشار کتاب، جراید، تربیت و اعزام مبلغ، راه‌اندازی سایت‌های اینترنتی و... به سرعت افکار خود را منتشر کرده و در این میان از راه‌اندازی محافل و جلسات با عناوین فریبنده نیز غفلت نورزیده‌اند. امروزه دشمنان دین و افکار اصیل اسلامی، با وقوف بر اینکه زور و روش‌های خشونت‌آمیز، نگرش‌های اصیل و بنیادی جامعه را نمی‌تواند تغییر دهد، به بهره‌گیری از روش‌های نرم و خزنده، ایجاد شبهه در اعتقادات و مقدسات و گسترش تفکرات انحرافی در پوشش دینی و مذهبی روی آورده‌اند. از مصادیق این روش، ظهور و بروز جریانات انحرافی در قالب‌هایی چون عرفان، تصوف، مکاشفه، شهود، کرامات و ادعاهایی چون ارتباط با امام زمان (عج) و عالم غیب است. اکنون نمونه‌هایی از تظاهر به زهد مدعیان دروغین مهدویت را می‌آوریم.

الف) ابوعبدالله شیعی

در منابع تاریخی اطلاعات زیادی راجع به زندگی نامه ابوعبدالله شیعی وجود ندارد. ابوعبدالله حسین بن احمد بن محمد بن زکریاء شیعی، اهل صنعاء و فردی زیرک و اهل علم و فهم بود.^۱ در برخی منابع نیز وی را کوفی معرفی کرده‌اند و گفته شده گرایش غالب او شیعی دوازده امامی بوده است.^۲ وی پایه‌گذار حکومت شیعی در آفریقا بود.^۳ عبیدالله المهدی در سال ۲۸۹ق ابوعبدالله شیعی را به قتل رساند.^۴

شیوه همراه زهد، تواضع، وقار و وفای به عهد و امانت ابوعبدالله شیعی موجب خوشنامی و تخریب هرچه بیشتر شخصیت والی آفریقا شد و زمینه را برای پذیرش و گرایش مردم به مهدویت عبیدالله المهدی مهیا ساخت.^۵

۱. ابن اثیر، الكامل فی التاریخ، ج ۶ ص ۵۸۶.

۲. ابن حیون، شرح الأخبار فی فضائل الأئمة الأطهار، ج ۱، ص ۳۳ و ۴۰.

۳. ابن خلکان، وفيات الأعیان، ج ۲، ص ۱۹۲.

۴. ابن اثیر، الكامل فی التاریخ، ج ۶ ص ۵۵۹.

۵. قاضی نعمان، دعائم الاسلام، ص ۱۵۴.

ب) محمد بن فلاح

محمد بن فلاح یکی از مدعیان بود که حرکت خود را با اقدامات صوفیانه آغاز کرد. او یک سال تمام در مسجد جامع کوفه اعتکاف کرد. غذایش اندکی آرد جو بود که با آن می‌زیست. سپس با هیئتی صوفیانه ادعاهای خود را درباره مهدویت آشکار کرد.^۱

زهد از ارکان تصوف است. تفسیری که برخی از متصوفه از زهد ارائه می‌دهند، با نظر مشهور مسلمانان تفاوت‌هایی دارد و تفسیر آنان به رهبانیت نزدیک است. آنان زهد را به عزلت و ترک دنیا و دشمن داشتن مظاهر دنیا تفسیر می‌کنند. زهد در دیدگاه متصوفه، در دوره‌های نخستین اسلام نیز وجود داشت و در حکومت حضرت علی علیه السلام برخی به بهانه زهدورزی از ورود به عرصه حکومت و سیاست کناره‌گیری کردند.^۲ این در حالی بود که اهل بیت تارک دنیا نبودند و توجه به تأمین معاش را منافی با زهد نمی‌دانستند، بلکه از نظر آنان دلبستگی و تعلق به دنیا با زهد منافات دارد.

۲. معنویت‌گرایی سکولار

معنویت‌گرایی سکولار تفکری است که حضور دین در ابعاد مختلف زندگی بشر را نفی می‌کند. این گرایش طرفدار و مروج حذف یا بی‌اعتنایی به دین و به حاشیه راندن نقش آن در ساحت‌های مختلف حیات انسانی از قبیل سیاست، حکومت، علم، عقلانیت، اخلاق و غیره است. در این دیدگاه، دین فقط با مسائل خصوصی افراد سر و کار دارد، نه با مسائل اجتماعی آنها. آموزش و پرورش، اقتصاد، سیاست و غیره باید بر علم مبتنی باشد، نه مذهب. سکولاریسم به لحاظ تبار لغوی خود، همان عرف‌گرایی و اعتقاد به اصالت امور دنیوی و مخالفت با تعلیم شرعیان و مطالب دینی است. سکولاریسم در این معنا عمدتاً یکی از ویژگی‌های تمدن و فرهنگ دوره‌های جدید است و یکی از مؤلفه‌های مدرنیته غربی محسوب می‌شود.^۳

در این زمینه جریان بابیت و بهائیت، با این ادعا که دین جدید و متناسب با زمان آورده‌ایم و محدودیت‌ها و تنگ‌نظری‌ها و تعصبات قبلی را کنار گذاشته‌ایم، در واقع ولننگاری‌ها و انحراف‌های

۱. امیری، تاریخ سودان بعد از اسلام، ص ۲۸۷.

۲. حاتمی، تعریف زهد، جایگاه و ارکان آن در نگاه معصومان و متصوفه، ص ۶۱-۶۳.

۳. ربانی گلپایگانی، ریشه‌ها و نشانه‌های سکولاریسم، ص ۵۸.

غرب را وارد جامعه اسلامی کردند.^۱

مدعیان معمولاً نوعی از عرفان و معنویت را معرفی می‌کنند که تکالیف کمتر و راحت به دنبال دارد؛ برای نمونه یاران علی محمد باب، با ندای زمینه‌سازی برای ظهور قائم جعلی خود در جریان بدشت و غیره به آلودگی‌های اخلاقی گرفتار شدند و به آسانی کشتار می‌کردند و همه کارهای خود را نشانه شیفتگی به موعود و رهبرشان می‌دانستند. بایه آموزه‌های خود را برای مردم، نه به شکل بدعت، بلکه به شکل حقیقت و تحقق وعده‌های الهی معرفی می‌کردند.^۲ جریان‌های مدعی و رهبران فرق، به دوری از فقه و مرجعیت معتقد هستند، آنان رو به روی مرجعیت و فقهت قرار می‌گیرند و دروغ‌هایی را علیه فقیه و جایگاه فقهت در آخرالزمان مطرح می‌کنند و مرجعیت را بی‌دلیل زیر سؤال می‌برند.

۳. فریب‌کاری

فریب‌کاری یکی از مهم‌ترین معیارها برای تشخیص مدعیان در حوزه مهدویت است که موارد و مصادیق متعددی دارد. از جمله مهم‌ترین فریب‌های مدعیان دروغین در زمینه مهدویت، تحریف و جعل در منابع و متون دینی است.

مدعیان دروغین، شگرد مشخصی درباره روایات دارند؛ آنها به روایات جعلی استناد می‌کنند؛ درحالی که این روایات اصلاً در کتب شیعه و متون اصلی و در بیان ائمه وجود خارجی ندارند، بلکه در دوره‌ای، حدیثی جعل شده و یا خودش آن را جعل کرده است.

در گذشته بعضی از افراد برای تثبیت جایگاه حاکمیت خود حدیث جعل می‌کردند؛ مثل امویان. فضای فکری و جو غالب در سال‌های پایانی حکومت بنی‌امیه به قدری ملتهب و آماده قیام بود که افراد مختلف به امید رهایی از حکومت ظالمانه و غاصبانه بنی‌امیه دست به قیام‌های متعددی زدند. در حقیقت جعل احادیث برای پیشبرد اهداف سیره خلفای گذشته و جریان‌های مدعی همین کار را کردند. اگر در گذشته واقفیه و مغیره حدیث جعل می‌کردند، امروز هم جریان‌های انحرافی مثل جریان بایه و بهائیت و احمد اسماعیل بصری که ادعای یمانی بودن دارد، جعل حدیث می‌کنند و مبلغانی برای خود دست و پا کرده‌اند. اکنون نمونه‌هایی از احادیثی را که مدعیان دروغین جعل کرده‌اند، نقل می‌کنیم.

۱. تالرسینگر، فرقه‌ها در میان ما، ص ۶۱.

۲. اسحاقیان، پیچک انحراف، ص ۲۳.

الف) احادیثِ جعلیِ پیروانِ عبیدالله المهدی

چنان که گفتیم، مدعیان مهدویت برای اثبات ادعای خویش از روایات جعلی مدد می‌جستند؛ برای مثال برای گسترش هر چه بیشتر ادعای مهدویت «عبیدالله المهدی» در آفریقا، داعیان اسماعیلیه بر اساس بعضی روایات منسوب به اهل بیت علیهم‌السلام که ظهور مهدی از مغرب خواهد بود، روایاتی جعل و پیش‌بینی کردند ظهور در سال غلبه فاطمیان بر آفریقا خواهد بود. آنان از امام هادی علیه‌السلام روایتی نقل می‌کردند که در سال ۲۵۴ق فرموده است: «با گذشت چهل و دو سال، بلایی که گرفتار آن هستید، رفع خواهد شد»^۱. بیشتر این احادیث، ظهور مهدی را در نواحی دوردست کشورها و کناره‌های سرزمین‌های آباد مانند «زاب» در آفریقا و «سوس» در مغرب تعیین می‌کرد.^۲ روایات مربوط به این نشانه، بیشتر در منابع اهل سنت آمده و در کتاب‌های شیعه همان مضمون تکرار شده است. اسماعیلیان از این روایات سوءاستفاده کردند و با برداشتی ناروا آن را بر مهدی فاطمی تطبیق نمودند؛ زیرا وی از منطقه «مغرب» در شمال آفریقا قیام کرد.

قاضی نعمان، مورخ اسماعیلی مذهب، نیز ضمن گزارش این حدیث، آن را پیشیگویی رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم درباره مهدی فاطمی دانسته است. وی می‌نویسد: رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌فرماید: «در سال ۳۰۰ هجری خورشید از مغرب طلوع خواهد کرد». این حدیث مشهور است، اما تاکنون خورشید از مغرب طلوع نکرده و پس از این هم نخواهد کرد. پس مقصود رسول خدا قیام مهدی از مغرب است و مهدی همان خورشیدی است که فرموده سبصد سال پس از هجرت من طلوع خواهد کرد. درباره طلوع خورشید از مغرب دو دسته روایات است:

یک: این دسته از روایات که دچار تحریف معنوی و تطبیق نادرست شده‌اند، طلوع خورشید از مغرب را از علائم ظهور حضرت قائم علیه‌السلام ذکر کرده‌اند. ابی حمزه ثمالی از امام باقر علیه‌السلام سؤال می‌کند: آیا خروج سفیانی حتمی است؟ آن حضرت می‌فرمایند: بله و ندای آسمانی هم حتمی است و طلوع خورشید از مغرب هم حتمی است و...^۳.

در روایت طولانی دیگری از حضرت امیر علیه‌السلام نقل شده است که صعصعة بن صوحان پرسیدند: در چه

۱. قاضی نعمان، دعائم الاسلام، ص ۷۳.

۲. ابن خلدون، تاریخ ابن خلدون، ج ۱، ص ۳۲۸.

۳. مفید، الارشاد، ج ۲، ص ۴۵۵.

زمانی دجال خروج می‌کند؟ آن حضرت بعد از بیان نشانه‌هایی فرمودند: «... بعد طلوع الشمس من مغربها...؛ بعد از اینکه خورشید از مغرب طلوع کند»^۱.

علاوه بر اینکه این مسئله ممکن است از علائم ظهور باشد، احتمال دیگری نیز در مسئله قابل طرح می‌باشد و آن اینکه بگوییم خورشید در این روایات کنایه از خود حضرت ولی عصر عجل الله فرجه است؛ چنان که ملامحسن فیض کاشانی در توضیح روایتی می‌نویسد:

وكانه كني بطلوع الشمس من مغربها في الحديث عن ظهوره عجل الله فرجه كما يظهر من بعض الاخبار؛
گویا طلوع خورشید از مغرب، کنایه از ظهور حضرت مهدی عجل الله فرجه است؛ همان گونه که از برخی
اخبار هم استفاده می‌شود.^۲

بر این اساس طلوع خورشید از مغرب معنای کنایی دارد و در حقیقت ظهور حضرت مهدی عجل الله فرجه تشبیه شده است به طلوع خورشید از غروب گاهش. همان گونه که خورشید پس از آنکه در شب پنهان شود و دوباره در سحرگاهان پرده‌های تاریکی و ظلمت را می‌برد، حضرت بقیه الله عجل الله فرجه نیز پس از طی دوران محنت و محرومیت و سپری شدن روزگار غیبت و انتظار ظهور می‌کنند؛ مثل خورشیدی که جهان را با پرتو حیات بخش خود زنده و روشن می‌کنند.

سید محمد صدر نیز همین احتمال و وجه را تقویت می‌کند.^۳ بنابراین اگر روایات را بر ظاهرشان حمل کنیم، نتیجه آن است که خورشید از مغرب طلوع می‌کند و اگر مراد از خورشید خود حضرت مهدی عجل الله فرجه باشد، یعنی از مغرب طلوع و قیام می‌کند.

دو: دسته دیگری از این روایات طلوع خورشید از مغرب را از نشانه‌های قیامت می‌دانند. مردی از اعراب نزد پیامبر اکرم ص آمد و پرسید: تا چه زمانی توبه پذیرفته می‌شود؟ آن حضرت فرمودند: باب توبه برای فرزندان آدم همیشه باز است و بسته نمی‌شود، مگر زمانی که خورشید از مغرب طلوع کند و این تفسیر آیه‌ی کریمه است که خداوند می‌فرماید:

« هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا أَنْ تَأْتِيَهُمُ الْمَلَائِكَةُ أَوْ يَأْتِيَ رَبُّكَ أَوْ يَأْتِيَ بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ يَوْمَ يَأْتِي بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ لَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيْمَانُهَا لَمْ تَكُنْ آمَنَتْ مِنْ قَبْلُ أَوْ كَسَبَتْ فِي إِيمَانِهَا خَيْرًا؛ آیا جز این

۱. مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۹۴، باب ۲۵.

۲. فیض کاشانی، وافی، ج ۲، ص ۴۴۶.

۳. صدر، تاریخ عصر ظهور، ص ۴۹۵.

انتظار دارند که فرشتگان (مرگ) به سراغشان آیند یا خداوند به سوی آنها بیاید یا بعضی از آیات پروردگارت (و نشانه‌های رستاخیز) بیاید؟ اما آن روز ایمان آوردن افرادی که ایمان نیاورده‌اند یا در ایمانشان کار نیکی نکرده‌اند، سودی به حالشان نخواهد داشت.^۱

ب) احادیثِ جعلیِ عباسیان

موضوع جانشینی یکی از خاندان رسول خدا به عنوان مهدی جایگاه ویژه‌ای دارد. از مهم‌ترین این قیام‌ها قیام زید بن علی، قیام معاویه طالبی، قیام خراسانیان، قیام نفس زکیه و روی کار آمدن عباسیان است. در این بین عباسیان اقدامات وسیعی کردند تا منجی را به خاندان خود نسبت دهند. برای مشروعیت بخشیدن به خلافت خود و جلب رأی عموم مردم مسلمان، دست به جعل و تحریف روایات زدند و بر خلاف روایات صحیحی که نسل مهدی علیه السلام را به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین علیه السلام می‌رسانند، روایاتی جعل کردند که امام زمان را از نسل عباس، عموی پیامبر، معرفی می‌کرد، مانند این حدیث خزاعی: «المَهْدِيُّ مِنْ وُلْدِ الْعَبَّاسِ؛ مهدی از فرزند عباس است».^۲

مهم‌ترین دوره ستم در تاریخ صدر اسلام، همین دوره اموی است و بیشترین زمینه ظهور مهدی در اذهان مردم، همین دوره است. از این رو از هنگامی که در حوالی سال ۱۱۶ هجری قیام‌های ضد اموی در خراسان پای می‌گیرد، یک‌سره ندای مهدویت به چشم می‌خورد؛ نمونه آن ادعای حارث بن سربیع، یکی از رهبران شورشی است که خود را صاحب و فرمانده رایات سود (پرچم‌های سیاه) می‌دانست: «و کان الحارث یظهر انه صاحب الرايات السود، فأرسل اليه نصر: ان كنت كما تزعم، و إنکم تهدمون سور دمشق».^۳ جدا از اینکه این ادعاهای مشابه راست باشد یا ناراست، حجم زیادی از نقل‌هایی که درباره ظهور رایات سود است، نشان می‌دهد نوعی فضای مهدی‌گرایانه برای نجات مردم از دست امویان وجود داشته است. ادعاهای مهدویت در این دوره، از این فضا نشئت گرفته بود. این ادعاها عمدتاً از سوی عباسیان بود. آنان خود را مصداق مهدی می‌دانستند. القابی چون سقاج، منصور، مهدی، هادی و رشید از جمله القابی است که نشان از نوعی باور مهدویت و هدایت و رشد و خونریزی مهدیانه به قصد

۱. مجلسی، بحارالانوار، ج ۶، ص ۳۴، ذیل آیه‌ی ۱۵۸ از سوره‌ی انعام.

۲. ابن‌حماد، الفتن، ص ۲۳۰.

۳. ابن‌خلدون، تاریخ ابن‌خلدون، ج ۲، ص ۱۸۸.

نابودی ظلم و ستم است.^۱

منبع اصلی روایات پرچم‌های سیاه کتاب الفتن ابن حماد است و آنچه در منابع متأخر به چشم می‌خورد، از منابع یا راویان اهل سنت نقل شده است. در میان شیعه نیز روایات مربوط به رایات السود نقل شده است؛ همچون روایت ذیل:

معاویه بن هشام، عن علی بن صالح، عن یزید بن ابی‌زیاد، عن ابراهیم، عن علقمه، عن عبدالله بن مسعود قال: بینا نحن عند رسول الله ﷺ إذ أقبل فتیة من بنی‌هاشم، فلما رأهم النبی ﷺ إغرورقت عیناه و تعیر لونه، قال فقلت له: ما نزال نری فی وجهک شیئا نکرهه؟ قال: إنا أهل بیت اختار لنا الله الآخرة علی الدنیا، و إن أهل بیتی سیلقون بعدی بلاء و تشریدا و تطریدا، حتی یأتی قوم من قبل المشرق معهم رایات سود. یسألون الحق فلا یعطونه. فیقاتلون فینصرون فیعطون ما سألوا فلا یقبلونه، حتی یدفعوا إلی رجل من أهل بیتی، فیملؤها قسطاً کما ملؤها جوراً، فمن أدرك ذلك منکم فلیأثم ولو حبوا علی الثلج فانه المهدی؛ عبدالله بن مسعود گفت: هنگامی که ما در نزد رسول الله ﷺ بودیم، گروهی از جوانان بنی‌هاشم پیدا شدند. چون رسول خدا ﷺ آنان را دید، دیدگان آن حضرت اشک‌آلود شد و اشک در چشمانش حلقه زد و رنگ چهره مبارکش تغییر کرد. عبدالله گوید: من گفتم یا رسول الله ما همچنان در چهره‌ی شما چیزی را می‌بینیم که دوست نداریم شما بدین‌گونه باشید. فرمود: ما خاندانی هستیم که خدا به جای این دنیا، آخرت را برای ما برگزیده است و خاندان من پس از من گرفتار بلاها و آوارگی‌ها و بی‌خانمانی‌ها خواهند شد تا آنکه طایفه‌ای از طرف مشرق پیدا شوند که پرچم‌های سیاه با خود همراه دارند. آنان درخواست خیر و نیکی می‌نمایند، ولی آن را به آنها نمی‌دهند. از این رو می‌جنگند و پیروز می‌شوند و آن‌گاه آنچه را که آنان می‌خواستند، به آنان داده می‌شود، ولی آن طایفه دیگر نمی‌پذیرند تا آنکه آن پرچم‌ها و یا امارت و حکومت را به مردی از خاندان من می‌سپردند و آنان زمین را از عدل و داد پر می‌کنند؛ چنان که قبلاً از جور و ستم پر شده بود. پس هر کس از شما آن روزگار را دریابد، باید به سوی آنان بشتابد؛ هر چند افتان و خیزان بر روی برف باشد و آن شخص مهدی ﷺ است.^۲

مهم‌ترین فتنه عصر امام صادق ﷺ فتنه مدعیان دروغین بود. مؤید آن حدیثی از امام صادق ﷺ است که درباره انتهای سوره ابراهیم ﷻ که فرموده: «إِنَّ كَان مَكْرَهُمْ لِتُرْوَلَ مِنْهُ الْجِبَالُ؛ مکرشان با خداست،

۱. جعفریان، مهدیان دروغین، ص ۶۴

۲. موسسه معارف اسلامی، معجم أحادیث الإمام المهدی، ج ۲، ص ۲۰۰.

هر چند از مکرشان کوه‌ها از جای کنده می‌شد»^۱ فرمودند: «از مکر بنی‌العباس درباره قائم قلوب مردم از جا کنده شود: «وَإِنْ كَانَ مَكْرَ بَنِي الْعَبَّاسِ بِالْقَائِمِ لَتَرْوَلَ مِنْهُ قُلُوبُ الرِّجَالِ»^۲. در چنین فضایی امام صادق علیه السلام به تقابل فکری و عملی با این جریانات پرداختند، به این صورت که از مدعیان مهدویت اظهار برائت و آنها را به شیعیان معرفی می‌کردند و پیروان خویش را از همراهی با آنان باز می‌داشتند. در جنبه معرفتی نیز آن حضرت در روایات متعددی مهدی را از نسل خود و امام حسین علیه السلام نه بنی‌العباس معرفی می‌کردند. همچنین در قالب ادعیه و مناجات به معرفی مهدی حقیقی می‌پرداختند. صدور دعای ندبه از آن حضرت در چنین فضایی صورت گرفت؛ مثلاً در بخشی از این دعا می‌فرماید: «أَيُّنَ ابْنُ النَّبِيِّ الْمُصْطَفَى وَ ابْنُ عَلِيِّ الْمُرْتَضَى - وَ ابْنُ حَدِيجَةَ الْعَرَاءِ وَ ابْنُ فَاطِمَةَ الْكُبْرَى». امام صادق علیه السلام در این فراز از دعا، حضرت مهدی را از سلاله پاک پیامبر صلی الله علیه و آله معرفی می‌کنند تا برای همگان آشکار شود ایشان از نسل امیرالمؤمنین علیه السلام است.

۴. تحریف و تقطیع روایات

از جمله مواردی که مصداق فریب است، اما به جهت حساسیت و اهمیت آن جداگانه بررسی می‌شود، تحریف و تقطیع در روایات است که یکی دیگر از اقدامات مدعیان دروغین مهدویت است و می‌تواند کذب آنها را مشخص کرد. در ادامه برخی تحریف‌ها و تقطیع‌های روایات که مدعیان کذاب مهدویت در آن دست داشتند، اشاره می‌شود:

الف) بهائیت

فرقه بهائیت برای اثبات حقانیت آیین دروغین خود نیاز به دلایل قرآنی داشتند. آنها برای القای پایان‌پذیری دین اسلام و یا تأیید الهی بودن وعده دین جدید، به تأویل برخی از آیات پرداختند تا بدین سان ظهور علی محمد شیرازی ملقب به باب را ثمره بشارت حضرت حق جلوه دهند. با وجود مستندات فراوانی که بر تحریف‌ناپذیری و جاودانگی قرآن کریم وجود دارد، بهائیت با استناد به آیات چهارم و پنجم سوره‌ی سجده و کنار هم قرار دادن تفاسیر و شواهدی عجیب، بر پایان‌پذیری شریعت محمدی صلی الله علیه و آله و تأیید آیین جدید را استدلال می‌کنند، در این آیات آمده است:

۱. سوره ابراهیم، آیه ۴۶.

۲. حویزی، نورالقلین، ج ۲، ص ۵۵۳؛ بحرانی، تفسیر البرهان، ج ۳، ص ۳۱۶.

اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ مَا لَكُمْ مِنْ دُونِهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا شَفِيعٍ أَفَلَا تَتَذَكَّرُونَ؛ خداست که آسمان‌ها و زمین و آنچه را که میان آن دو است، در شش روز آفرید، سپس بر عرش قرار گرفت. برای شما جز او هیچ یاور و شفاعت‌کننده‌ای نیست. آیا متذکر و هوشیار نمی‌شوید؟^۱

يُدَبِّرُ الْأُمْرَ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ ثُمَّ يَعْرُجُ إِلَيْهِ فِي يَوْمٍ كَانَ مِقْدَارُهُ أَلْفَ سَنَةٍ مِمَّا تَعُدُّونَ؛ امور این جهان را از آسمان به سوی زمین تدبیر می‌کند. سپس در روزی که مقدار آن هزار سال از سال‌هایی است که شما می‌شمارید، به سوی او باز می‌گردد.^۲

بابت مهلت و اجل امت اسلام را هزار سال می‌دانند که در سال ۱۲۶۰ به پایان رسیده و ظهور دین بعدی باید در چنین سالی تحقق یابد و از آنجا که این زمان مقارن با دعوت علی محمد باب است، نتیجه می‌گیرند که دین بابیه تحقق وعده‌ی الهی و ناسخ دین اسلام و نقض خاتمیت پیامبر اکرم ﷺ می‌باشد؛ اما با نظر به کتب اصیل واژه‌شناسی و تفاسیر معتبر موجود، فرازهای آیه مورد بحث، تاب چنین تأویل‌هایی را ندارد.

ابوالفضل گلپایگانی، مبلغ برجسته بهایی، برای مطابقت دادن پایان دوره هزار ساله با ظهور علی محمد شیرازی در سال ۲۶۰ ق، آغاز این دوره را از زمان شهادت امام حسن عسکری علیه السلام می‌داند. علت اینکه بهائیت به تحریف معنوی آیات پرداخت، این بود که به دیدگاه مفسران و اصول عقیدتی شیعه توجهی نداشتند.^۳

سران بابیت و بهائیت و قادیانیه برای خود ادعای رسالت و خاتمیت می‌کردند، لکن اثبات ادعای رسالت برای رهبران این آیین‌ها، با توجه به مخاطبان اصلی آنها که مسلمانان و به ویژه شیعیان بودند، ممکن نبود و مبلغان و مدافعان به رغم تلاش بسیار برای استدلال بر این ادعا، در اثبات مدعا درماندند و غالباً برای تأیید درستی دین جدید به شیوه‌های خاص روی آوردند. مهم‌ترین دلیل ایشان، کثرت آیات و نوشته‌های میرزا حسین علی و نیز گسترش آیین بهائی بود که استدلال آنان نقد و رد شده است. تمام علمای اسلام اعم از شیعه و سنی علیه آنان موضع گرفته‌اند و شیعه و سنی کتاب‌هایی در رد آنان نوشتند. دروغ از آب در آمدن پیشگویی‌های سران بهایی و بابی و بازگشت برخی از بهائیان

۱. سوره سجده، آیه ۴.

۲. سوره سجده، آیه ۵.

۳. امیرپور، خاتمیت و پاسخ به ساخته‌های بهائیت، ص ۱۲۷؛ جعفریان، مهدیان دروغین، ص ۴۴۳.

برجسته به آیین اسلام نیز باعث شد دلایل آنان باطل شود.^۱

ب) احمد اسماعیل بصری

احمد بن اسماعیل متولد شهر بصره است. او خود را منجی و زمینه‌ساز ظهور تحت عنوان "یمانی" معرفی می‌کند. احمد اسماعیل بصری امروز تغییراتی در احکام شرع ایجاد کرده است و هرگاه به او گفته می‌شود که چطور خلاف اهل بیت علیهم‌السلام سخن می‌گویی، می‌گوید من قائمی هستم که باید احکام را تغییر دهم و احکام گذشته اسلام را نقص کنم. اباحه‌گری و تغییر شریعت از ویژگی‌های این جریان مدعی است. احمد یمانی خود را صاحب بیرق رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌داند و دلیلش این است که بر روی پرچمش نوشته شده است: «البيعة لله».^۲ همه کتاب‌هایی که در انتشارات انصار الامام المهدي و سایت رسمی انصار منتشر شده، مورد تأیید احمد بصری است و آنها را ملاک دعوت خود می‌داند.^۳

احمد و یارانش برای اثبات ادعای خود، به تغییر معنا در روایات روی آورده‌اند و مصداق اخباری که درباره حضرت مهدی علیه‌السلام نقل شده است، می‌دانند. از جمله تحریفات آن‌ها، تحریف عبارت «نام مخفی و نام آشکار» است که در سخنان حضرت علی علیه‌السلام آمده است:

يَخْرُجُ رَجُلٌ مِنْ وُلْدِي فِي آخِرِ الزَّمَانِ أَبْيَضُ اللَّوْنِ مُشْرَبٌ بِالْحَمْرَةِ مُبَدَّحُ الْبَطْنِ عَرِيضُ الْفَخْدَيْنِ عَظِيمُ مَشَاشِ الْمُنْكَبَيْنِ بَظْهَرِهِ شَامَتَانِ شَامَةٌ عَلَى لَوْنِ جِلْدِهِ وَ شَامَةٌ عَلَى شِبْهِ شَامَةِ النَّبِيِّ لَهُ اسْمَانِ اسْمٌ يَخْفَى وَ اسْمٌ يَعْلَنُ فَأَمَّا الَّذِي يَخْفَى فَأَحْمَدٌ وَ أَمَّا الَّذِي يَعْلَنُ فَمُحَمَّدٌ؛ از فرزندان من در آخر الزمان فرزندی ظهور کند که رنگش سفید متمایل به سرخی و سینه‌اش فراخ و شانه‌هایش قوی است و در پشتش دو خال است: یکی به رنگ پوستش و دیگری مشابه خال پیامبر و دو نام دارد: یکی نهان و دیگری آشکار؛ اما نام نهان، احمد و نام آشکار، محمد است.^۴

آنان ادعا می‌کنند مراد از عبارت «اسم» در اینجا «شخصیت» است و نمی‌توان آن را حمل کرد بر معنای حقیقی «اسم» که نام افراد است. از این رو مدعی هستند که در روایت، به شخصیت مخفی و گمنام احمد در برابر شخصیت آشکار و شناخته‌شده حضرت مهدی علیه‌السلام اشاره شده است.^۵

۱. رک: نوری، اقدس.

۲. واحد تحقیقات، ادله جامع دعوت یمانی، ص ۲۵.

۳. بصری، الجواب المنير، باب ۲۵، ص ۵۲۷.

۴. صدوق، من لا يحضره الفقيه، ج ۲، ص ۶۵۳.

۵. بصری، الجواب المنير، ص ۲۲.

همان گونه که در ابتدای روایت بیان شده است، امام علی علیه السلام همه این ویژگی‌ها و عبارت نام آشکار و مخفی را برای یک فرد ذکر نموده، نه دو نفر، و آن حضرت از عبارتهای مفرد مانند «یخرج رجل»، «له»، «رأیته» و «یده» استفاده کرده است. به یقین امام علی علیه السلام دو اسم را برای یک فرد بیان کرده است و مراد آن حضرت در این روایت، امام مهدی علیه السلام است. همچنین ممکن نیست که امام علی علیه السلام ویژگی‌های یک نفر را بیان کند و در مورد یک فرد سخن بگوید، اما در مقام تطبیق، انتهای کلام را بی‌دلیل به دو نفر نسبت دهد. مراد از اسم مخفی نیز این است که عموماً مردم حضرت مهدی علیه السلام را با نام «محمد» می‌شناسند و کمتر از نام «احمد» استفاده می‌کنند و عبارت «یخفی» اشاره به نام کم‌استعمال و غیرمعروف دارد. احمد و مبلغان وی با این توجیه عجیب، معنای حقیقی «اسم» را که همان «نام» است، رد می‌کنند و به معنای مجازی آن یعنی «شخصیت» روی می‌آورند.^۱

نتیجه

برای تشخیص مدعیان دروغینی که خود را مهدی موعود دانسته‌اند، معیارهایی وجود دارد که کذب ادعاها و تناقضات رفتارشان را آشکار می‌کند. تظاهر به زهد و ساده‌زیستی برای جلب توجه افراد، از ابتکارات جریان‌های انحرافی و مدعیان دروغین است. از این رو برخی مدعیان دروغین رفتار صوفی‌گرایانه داشتند؛ برای نمونه ابو عبدالله شیعی و محمد بن فلاح با رفتارهای صوفیانه و ریاکاری خود را زاهد نشان می‌دادند تا مردم را به خود مجذوب کنند.

از دیگر معیارها برای شناسایی مدعیان دروغین، گرایش آنان به معنویت سکولار است که در این نوع معنویت، خدا و دین جایگاهی ندارد. فرقه نمیریه با رواج اباحی‌گری و حلال دانستن بسیاری از محرمات، بی‌تقوایی را رواج دادند.

تحریف روایات و استناد به روایاتی که سند صحیحی ندارند و جعل شده‌اند، از اقدامات مدعیان دروغین بود. سوءاستفاده آنان از روایات به سه روش جعل روایات، تقطیع روایات و تحریف روایات صورت می‌گرفت؛ برای نمونه پیروان عبدالله المهدی و عباسیان احادیثی را جعل کردند و در زمان معاصر نیز بهائیت و احمد اسماعیل بصری به تحریف و تقطیع روایات پرداختند.

۱. یوسفیان و شهبازیان، «بررسی برخی ادله‌ی روایی احمد الحسن؛ یمانی دروغین»، ص ۷۴.

منابع

✽قرآن کریم

۱. ابن اثیر، عزالدین، **الکامل فی التاریخ**، بیروت، دار الکتب العربی، ۱۴۱۷.
۲. ابن حیون، نعمان بن محمد، **شرح الأخبار فی فضائل الأئمة الأطهار**، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۰۹.
۳. ابن خلدون، عبدالرحمان بن محمد، **تاریخ ابن خلدون**، ترجمه عبدالمحمد آیتی، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۶۳.
۴. ابن خلکان، ابوالعباس، **وفیات الأعیان و أنباء أبناء الزمان**، بیروت، دار صادر، ۱۹۰۰.
۵. ابن منظور، محمد بن مکرم، **لسان العرب**، لبنان، دار بیروت، ۱۴۱۴ق.
۶. اسحاقیان، جواد، **پیچک انحراف**، تهران، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود#، ۱۳۸۸.
۷. امیری، محمدتقی، **تاریخ سودان بعد از اسلام**، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۶۶.
۸. امین پور، علی، **خاتمیت و پاسخ به ساخته‌های بهائیت**، تهران، نشر مرجان، ۱۳۵۷.
۹. انصاریان، حسین، **عرفان اسلامی**، ج ۸، قم، چاپ اول، ۱۳۹۱.
۱۰. بجنوردی، حسن، **قواعد فقهیه**، تحقیق: مهدی مهریزی، تهران، حریر، ۱۳۹۴.
۱۱. بحرانی، هاشم بن سلیمان، **تفسیر البرهان**، قم، ذوی القربی، ۱۳۹۱.
۱۲. بصری، احمد بن اسماعیل، **لجواب المنیر**، انصارمهدی، تولی، ۱۴۱۳.
۱۳. تالرسینگر مارگارت، **فرقه‌ها در میان ما**، مترجم: ابراهیم خدابنده، اصفهان، دانشگاه اصفهان، ۱۳۸۶.
۱۴. جعفریان، رسول، **مهدیان دروغین**، تهران، علم، ۱۳۹۱.
۱۵. حاتمی، حبیب، **تعریف زهد، جایگاه و ارکان آن در نگاه معصومان و متصوفه**، پژوهش‌نامه مذاهب اسلامی، ش ۶، ۱۳۹۵.
۱۶. حویزی، عبدالعلی، **نورالثقلین**، ج ۵، قم، نوید اسلام، ۱۳۸۳.
۱۷. دهخدا، علی اکبر، **لغت نامه دهخدا**، تهران، نشر دانشگاه، ۱۳۷۷.
۱۸. دیباوی، عبدالرزاق، **دعوة السيد احمد الحسن هی الحق المبین**، بی‌جا، انتشارات انصارالامام المهدی، ۲۰۱۲.
۱۹. ربانی گلپایگانی، علی، **ریشه‌ها و نشانه‌های سکولاریسم**، تهران، کانون اندیشه جوان، ۱۳۸۵.

۲۰. شهرستانی، محمدبن عبد الکریم، **ملل و نحل**، تصحیح محمد رضا جلالی، تهران، اقبال، ۱۳۶۱.
۲۱. صافی گلپایگانی، لطف الله، **اصالت مهدویت**، قم، انتشارات حضرت معصومه، ۱۳۹۷.
۲۲. صدر، محمد، **تاریخ عصر ظهور**، تهران، موعود عصر، ۱۳۹۵.
۲۳. صدوق، محمدبن علی، **من لا یحضره الفقیه**، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۰۴.
۲۴. فیض کاشانی، محسن، **وافی**، ج ۲، قم، دارالکتب، ۱۳۶۵.
۲۵. فیومی، احمدبن محمد، **مصباح اللغه**، بی جا، طلیعه نور، ۱۳۹۶.
۲۶. قاضی نعمان، ابوحنیفه نعمان بن محمد، **دعائم الاسلام**، تحقیق: آصف بن علی اصغر، فیضی، قاهره، دارالمعارف، ۱۹۶۳.
۲۷. مروزی، نعیم بن حماد، **الفتن**، بیروت، دارالکتب، ۱۴۲۳.
۲۸. مفید، محمد بن نعمان، **الارشاد**، قم، المؤتمر للشیخ المفید، ج ۲، تهران، سرور، ۱۳۹۳.
۲۹. مجلسی، محمد باقر، **بحار الانوار**، مترجم موسوی همدانی، تهران، کتابخانه حضرت، ۱۳۸۲.
۳۰. مؤسسه معارف اسلامی، **معجم الاحادیث الإمام المهدی**، قم، جمکران، ۱۳۹۳.
۳۱. نصیری فرد، عباس، **واکاوی سه فرقه بهائیت، وهابیت و شیطان پرستی**، تهران، راه نیکان، ۱۳۹۲.
۳۲. واحد تحقیقات انتشارات انصار امام المهدی، **ادله جامع دعوت یمانی**، انتشارات انصار الامام المهدی، بی تا.
۳۳. هاشمی رفسنجانی، اکبر، **فرهنگ قرآن**، قم، دفتر تبلیغات، ۱۳۹۷.
۳۴. یوسفیان، مهدی و محمد شهبازیان، **بررسی برخی ادله روایی احمد الحسن، یمانی دروغین**، مجله مشرق موعود، ش ۲۷، ۱۳۹۲.